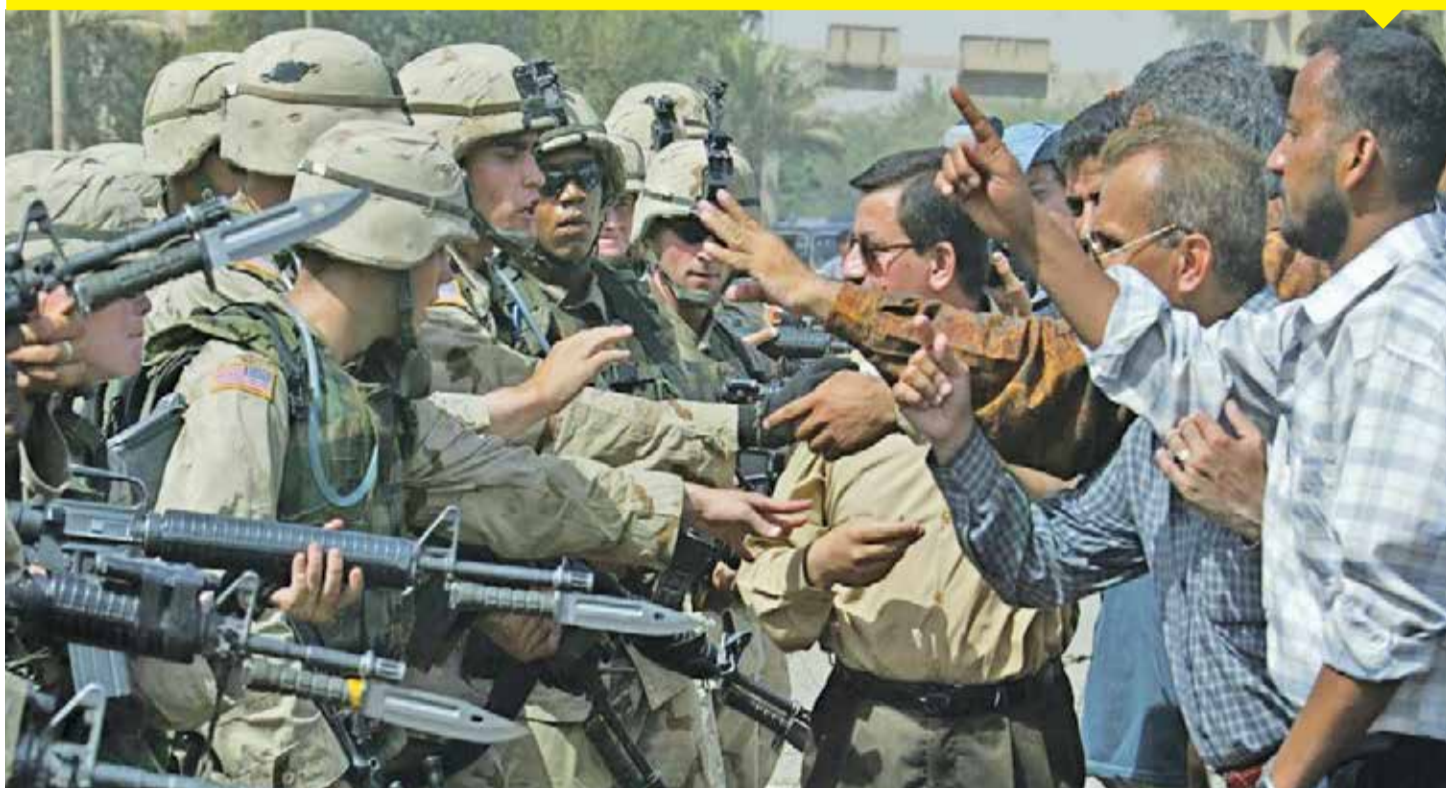




مهم‌ترین مسأله در منطقه غرب آسیا وجود گفتمان و رویکرد جدیدی مبنی بر حضور دین در سیاست، استقلال طلبی و کفرستیزی است. وقتی این ویژگی‌ها را کنار هم قرار می‌دهیم، بستر بازیگری امریکا در این منطقه کاملاً محدود می‌شود

غرب، خصوصاً امریکا در منطقه غرب آسیا زمینگیر شده و نتوانسته برعکس گذشته ایده‌ها را پیش ببرد. این‌ها را ابوالفضل ظهروه‌وند، تحلیلگر مسائل بین‌الملل می‌گوید. از نظر او مهم‌ترین علت زمینگیری ایده امریکایی در این منطقه وجود آلترناتیو و گفتمان

جایگزین است که این ابرقدرت را به چالش انداخته. گفتمان جایگزینی که دیگر کشورها و مناطق در جهان از آن بی‌بهره‌اند. این گفت‌وگو با سفیر پیشین ایران در ایتالیا و افغانستان را به بهانه ترجمه و انتشار کتاب «شکست در بازی طولانی» ترتیب دادیم که در ادامه می‌آید.



معتز عساکر عراقی در بغداد علیه نظامیان امریکایی در سال‌های اشغال این کشور توسط ارتش ایالات متحده



گفتمان انقلاب اسلامی در منطقه غرب آسیا با ابرقدرتی مثل امریکا وارد چالش شده. ما در جنگ‌های مختلف پیروز شدیم. از جنگ مستقیم تا جنگ‌های نیابتی. مسأله داعش را حل کردیم. با وجود فشار جنگ و تحریم پیشرفت کردیم. ما در حوزه مدیریت تهدید در غرب آسیا موفق بودیم

گفتمان جایگزین مربوط است. از طرفی جامعه آنها درگیر شده است. زاپنی‌ها مردم سختکوشی هستند و توسعه آنها محدود به ایالات متحده نیست ولی امریکایی‌ها به آنها اجازه ندادند با کار و تلاش خود را احیا کنند، به گونه‌ای ساختار سیاسی آنها در نظام اقتصاد بین‌الملل و نظام سیاسی بین‌الملل به رهبری امریکا ادغام شده که تحت مهار و کنترل هستند. زاپنی‌ها وضعیتی بهتر از این برای خود متصور نیستند و نوع آموزه‌های دینی آنها نیز به این مسأله کمک می‌کند، اما در آلمان چنانچه امریکایی‌ها غفلت کنند و شرایط را از دست دهند ممکن است فضا به گذشته برگردد. یعنی اینها در ۸۰ سال پیش شرایطی داشتند و می‌گویند می‌توانیم به هویت آلمانی قبل برگردیم و آن اقتدار را احیا کنیم. الان احساس تحقیر و کنترل شدن می‌کنند، حتی چند وقت پیش شاهد کودتای بی‌سروصدایی بودیم، اما بساط آنها را جمع کردند و هیچ کسی هم نفهمید قضیه چطور شد؛ چند صد دستگیری در یک ماه انجام شد و ۶۰ هزار پلیس را وارد صحنه کردند. این مسأله‌ای مهم است، یا مثال دیگر جنبش وال‌استریت است. با آنها چگونه رفتار شد؟ جنبش‌ها را در نطفه خفه کردند.

روزنامه ایران: نقش ایده مقاومت برای رویارویی در برابر ایده امریکایی در منطقه غرب آسیا چیست؟

ظهروه‌وند: ما در منطقه‌ای هستیم که به آن قلب زمین می‌گویند. ایران چند هزار سال است که در این منطقه حضور دارد. ملت‌های این منطقه با فرهنگ و تمدن ایرانی آشنا و از آن متأثر هستند. نکته مهم‌تر اینکه در طول ۴۴ سال فرهنگ و تفکر انقلاب اسلامی یخوبی تسری پیدا کرده. همه دیدند که ایران چگونه توانست به موقعیت کنونی برسد؛ موقعیتی که پیش از آن تصور نمی‌شد هیچ کشوری بتواند در مقابل امریکا بایستد. در اروپا هم همین‌طور است. هیچ کشور اروپایی تصور نمی‌کند بتواند در مقابل ایالات متحده عرض اندام کند. کشورهای مختلف تسلیم امریکا هستند. او ابرقدرت است، اما ما در منطقه غرب آسیا با این ابرقدرت وارد چالش شدیم. در جنگ‌های مختلف پیروز شدیم. از جنگ مستقیم تا جنگ‌های نیابتی. مسأله داعش را حل کردیم. از طرفی با وجود فشار جنگ و تحریم پیشرفت کردیم. مردم دیگر کشورها در این منطقه وضع خود را با وضع مردم ایران مقایسه می‌کنند. بنابراین امریکایی‌ها می‌گویند ما هم می‌توانیم. ما در حوزه مدیریت تهدید در غرب آسیا موفق بودیم، البته موقعیت ما در افغانستان چندان درخور نیست، اما به طور کلی فقط گفتمان انقلاب اسلامی است که ما و ملت‌های این منطقه را به فرجام می‌رساند.

روزنامه ایران: علت واقع‌گرای فیلپ گوردون در کتاب «شکست در بازی طولانی» را چه می‌دانید؟ چرا سیاستمداران امریکایی با وجود واقع‌گرایی و افشاگری به نقش نیروی مقاومت اذعان نمی‌کنند؟

ظهروه‌وند: این نشان‌دهنده اغتشاش معرفتی و تحلیلی است که در غرب خصوصاً امریکا وجود دارد. این سردرگمی و اغتشاش در حوزه‌های پژوهشی و تحقیقی اجازه نمی‌دهد برخی از مقامات آنها که تجربه میدانی دارند، تجارب سیاسی، امنیتی و دیپلماتیک را منتشر و به اشتراک بگذارند، اگر هم قرار به اشتراک‌گذاری باشد با حفظ یکسری ملاحظات امنیتی و سیاسی این کار را انجام می‌دهند، چرا که همه جناح‌های امریکا، چپ و راست ایران را تهدید می‌بینند.

ابوالفضل ظهروه‌وند سفیر پیشین ایران در افغانستان و ایتالیا تشریح می‌کند؛

شکست صادرات دموکراسی امریکایی به غرب آسیا

چرا ۸۰ سال تلاش غرب برای توسعه دموکراسی غربی در خاورمیانه به هیچ نتیجه‌ای نرسیده است

مرور برای مردم کره نارضایتی ایجاد می‌شود یا در فرانسه الان نارضایتی وجود دارد، اما آلترناتیو آنها در برابر وضع موجود چیست؟ هیچ کسی نمی‌داند و صرفاً مجبور هستند مطالب محدودی را مطرح کنند و بعد به توافق برسند و بروند تا فاز بعدی اعتراضات، اما زمانی که آلترناتیو وجود دارد، گشایشی در فضای سیاسی شکل می‌گیرد و مردم وارد مبارزه می‌شوند چون طرح جایگزین دارند.

روزنامه ایران: این خودتحقیری از کجا نشأت می‌گیرد؟

ظهروه‌وند: یک علت آن به این برمی‌گردد که آلترناتیو ندارند و دلیل دیگر به نداشتن

برمی‌گردد؟ چرا پس این نگاه منفی در مردم ژاپن یا تجربه بمباران هسته‌ای در پایان جنگ جهانی دوم شکل نگرفت؟

روزنامه ایران: این نیروی مقاومت بود که باعث شد با درکی صحیح‌تر تاریخ را ببینیم؟

ظهروه‌وند: مسأله مهم داشتن آلترناتیو حتی گفتمان آلترناتیو است. در حال حاضر به

دست آمده و هشت سال دفاع مقدس در مقابل سلطه‌طلبی غرب و امریکا، کل معادلات اینها به هم ریخت. امریکایی‌ها نتوانستند طی ۴۴ سال گفتمان خود را در مواجهه با گفتمان انقلاب اسلامی غلبه دهند. این یک آوردگاه بود. غرب آسیا، موقعیت ایران، گفتمان مقاومت و پرچمداری ایران باعث فرصت‌سوزی برای امریکایی‌ها شد.

تا قبل از تجربه انقلاب اسلامی آنها اگر می‌خواستند کودتایی در منطقه کنند در زمان محدود و مشخصی این کار را انجام می‌دادند و کسی هم نمی‌توانست متعرض آنان شود، حتی در ایران نیز چنین بود و براحتمی دوبار کودتا کردند و شاه فرار کرده را برگرداندند. در کودتا علیه دولت مصدق نیز در مدت زمان کوتاهی و در حیرت مردم این کار را انجام دادند، اما با پدید آمدن «انقلاب اسلامی» و حضور مردم ایران در صحنه سیاست و مدل امت و امامت و ظهور نقش رهبری، معادله برای امریکایی‌ها به هم ریخت و فضای جدید شکل گرفته قابل هضم نبود. کمالینکه در طول هشت سال دفاع مقدس هم نفهمیدند ایران چگونه توانست با گفتمان انقلاب اسلامی و با بهره‌گیری از حرکت امام حسین(ع) و فرهنگ عاشورایی این‌گونه تمام قد وارد صحنه نبرد شده و مقاومت کند.

روزنامه ایران: این کتاب نیز دخالت امریکا در این منطقه را از سال ۳۲ و کودتا علیه مصدق شروع به تعریف می‌کند. سؤال اینجاست که نفرت مردم غرب آسیا مخصوصاً ایران به عقبه تاریخی و تجربه تلخ کودتای امریکایی علیه دولت ملی آنها

روزنامه ایران: نشر ایران به تازگی کتابی از فیلپ گوردون، مسئول سابق هماهنگ‌کننده امور خاورمیانه در کاخ سفید، تحت عنوان «شکست در بازی طولانی» ترجمه و منتشر کرده. است این کتاب به شکست طرح امریکا در منطقه غرب آسیا اشاره می‌کند و افشاگری مهمی دارد. روحیه استکباری امریکا در این کتاب لاپوشانی نشده و اتفاقاً می‌گوید چه کنیم که طرح ما برای تغییر رژیم‌های خاورمیانه موفقیت‌آمیز باشد.

گوردون در کتابش به موفقیت ایالات متحده در دخالت در ژاپن و آلمان اشاره می‌کند، اما پراش مسأله این است کدام ویژگی در خاورمیانه باعث شده مردم این منطقه، امریکا را نه نیروی صلح‌طلب بلکه نیروی متخاصم تلقی کنند.

ظهروه‌وند: موفقیتی که امریکایی‌ها در ژاپن، کره جنوبی یا آلمان از آن یاد می‌کنند، به علت پذیرفته شدن‌شان توسط مردم یا دولت‌های آن کشورها بود؛ موضوعی که با فضای موجود در غرب آسیا متفاوت است. این منطقه از جنبه تاریخی، ساخت فرهنگی، حضور اسلام و پدیده‌ای به نام انقلاب اسلامی موقعیت ویژه‌ای دارد.

مهم‌ترین مسأله وجود گفتمان و رویکرد جدیدی مبنی بر حضور دین در سیاست، استقلال طلبی و کفرستیزی است. وقتی این ویژگی‌ها را کنار هم قرار می‌دهیم، بستر بازیگری امریکا کاملاً محدود می‌شود. مقاومت جمهوری اسلامی ایران طی ۴۴ سال اخیر، پیشرفت‌هایی به

در حال حاضر در ژاپن هر ساله مراسمی برای قربانیان هیروشیما و ناکازاکی برگزار می‌شود و یکی از مقامات آن کشور در مراسم حاضر می‌شود و صحبت می‌کند. اما می‌گوید ما مستحق بمباران هسته‌ای بودیم! چون در جنگ جهانی دوم نقش داشتیم و آن جنگ موجب شد جهان گرفتار شود